

چرا چاک دهان فرج الله سلحشور چنین باز شده است ؟

پارسا نیک جو

در پی انتشار خبری مبنی بر امکان آمدن آنجلینا جولی به ایران، برای بازی در فیلم « رسوایی» به کارگردانی مسعود ده نمکی، فرج الله سلحشور کارگردان سینما و تلویزیون، یکی از شناخته شده ترین گاو گند چاله دهانان رژیم اسلامی در یکی از آخرین اظهار نظر های خود، ضمن توهین به آنجلینا جولی به تمامی هنرپیشه های زن و دست اندکاران سینمای ایران نیز بی شرمانه و وقیحانه توهین کرده است. وی در آخرین گفت و گوی خود با خبرگزاری پانا گفته است: «هنرپیشه های زن ایران خودشان یک پا آنجلینا جولی هستند و سینمای ایران باید هم برای ادامه فعالیت خود فاحشه بین المللی بیاورد. سینمای ایران فاحشه خانه است، مگر صبح تا شب عکس های هنرمندان چاپ نمی شود؟ وقتی زن های ما افتخارشان این است که عکس های خود را به صورت نیمه عریان در اینترنت بگذارند، یعنی خودشان یک پا آنجلینا جولی هستند.»

فرج الله سلحشور که با بازی در فیلم توبه نصح (۱۳۶۱) ساخته ی محسن مخملباف به عنوان بازیگر وارد عرصه سینمای ایران شد؛ با ساختن سریال ایوب پیامبر (۱۳۷۳)، اصحاب کهف (۱۳۷۶) و یوسف پیامبر (۱۳۸۶) به عنوان بازیگر، کارگردان و تهیه کننده پا به عرصه ی خان گسترده ی صدا و سیمای ولایت نهاد. پس از ساخت سریال یوسف پیامبر و تقدیر و تجلیل علی خامنه ای از این اثر، از وی در مراسمی با عنوان تجلی اراده ی ملی تقدیر شد. البته ناگفته نماند که پس از چندی، این چهره ی تجلی اراده ی ملی، به جرم سرقت ادبی به سه سال حبس محکوم شد! به عبارت دیگر مشخص شد که ایشان نیز از جمله سارقان تجلی اراده ی سرقت ملی است.

آن چه اکنون در ذهن و زبان فرج الله سلحشور، یعنی سویه های خانه ی وجودی وی، آشکار شده است، سویه ی پنهان لمپنیسم فرهنگی اسلام سلحشوران و فرهنگ لمپنی سلحشوران اسلامی است. لمپن هایی که بر خاسته و بریده از اقشار خرده بورژوازی سنتی و تهی دستان شهری هستند، افرادی زخم خورده و زخم زنده، ویران شده و ویران کننده و جرم و جنایت پیشه. لمپن هایی که همواره ابزار سرکوب دوله ها و خان ها و روحانیت متنفذ بوده اند. در حقیقت، در دو سده ی گذشته در تمامی لشکر کشی های روحانیت متنفذ علیه بابی ها، مشروطه خواهان، ارمنه، یهودیان، دهقانان، کارگران، زنان آزاده ،

کمونیست ها، روشنفکران، دگراندیشان و دگرباشان، می توان هم دستی و پیوند این اقشار جرم و جنایت پیشه را با روحانیت مرتجع و منتفذ مشاهده کرد. فرج الله سلحشور نماد آشکار لمپن هایی است که پس از به قدرت رسیدن روحانیت، با پالایش هنجارها و ارزش های لمپنی در قالب چهره ای فرهنگی به ایفای نقش زخم زننده و ویران کننده و سرکوبگر خود پرداخته اند و می پردازند. حمله ی سلحشور به زنان هنرمند و آزاده، حمله ای بی ریشه و بی پیشینه نیست. ریشه و پیشینه ی این گونه حمله ها دست کم در تاریخ مدرن ایران به دوران قاجار می رسد، یعنی دورانی که هم پای تکوین و بسط مناسبات سرمایه داری و جنبش های دموکراتیک، آتش جنبش رهایی بخش زنان نیز شعله ور شد. آتشی که اکنون چنان برافروخته و شعله ور شده است که خواب خوش دوران طلایی مردسالاران را برآشفته کرده است. جنبش زنان اکنون پس از یک راه پیمایی طولانی توانسته است:

- پنهانترین و درونیترین لایه های فرهنگ و روابط پدر- مرد سالار را در زیست سپهر فردی - اجتماعی و خودآگاه و ناخودآگاه فردی- جمعی جامعه ی ایران، چنان آشکار و برجسته سازد که بخش قابل توجهی از جامعه را علیه این روابط و فرهنگ برانگیزد.

- با عصیان علیه تابوهای جنسی، تن و تمناهای جنسی را از زندان فرهنگ تابو پرور رها کرده و شور عاشقانه را در فرهنگ زنده گی جاری کند.

- با نقد و نفی باورهای زن ستیز مذهبی و جزم های دینی به رشد و بسط گفتمان های لائیک و خرد باور، یاری رسانده و افق و دریچه ی روشنی، فرا راه جامعه بگشاید.

- با گشودن زنجیر سیاه زلف ها و خود آرای و جلوه گری پیکر خود، حجاب اسلامی را از دیده ها پنهان کنند. حجابی که خمینی تحمیل آن را به زنان بزرگ ترین دست آورد پیروزی روحانیت خواند. حجابی که نماد شرم ساری از تن و تمناهای جلوه گری است، حجابی که نماد اسارات و متعلقه ی ابوی و اخوی بودن است.

در یک کلام جنبش زنان توانسته است ، کاخ قدرت ولایت مطلقه ی فقیه را که یک پایه ی آن بر فرهنگ پدر- مرد سالار و سیاست آپارتاید جنسی استوار است، سخت سست بنیاد کند. بر این پایه می توان گفت، حمله ی وقیحانه و گستاخانه ی فرج الله سلحشور، بیانگر و افشا کننده ی واکنش زبوانه ی برده داری است که با جنبش رهایی بخش برده های حلقه به گوش خود روبرو شده است. به عبارت دیگر همان گونه که نظام حاکم در شرایط کنونی ناچار شده است تمامی پوشش های حقوقی خود را کنار گذارده و با شمشیر آخته در عرصه ی عمومی ظاهر شود، لمپن های فرهنگی نظام نیز ذهن و زبان خود

را از تمامی بزرگ‌های اخلاقی تحمیل شده رها کرده و به عریانی هر چه تمام‌تر جراحات و عفونت‌های ذهن و زبان زخم‌زننده و ویرانگر خود را به نمایش در می‌آورند.

و اما درباره‌ی فاحشه‌نمیدن آنجلینا جولی و هنرپیشه‌های زن سینمای ایران، یادآوری چند نکته ضروری است. اول آن که دست کم در ایران معاصر یک پای ثابت خریداران خدمات جنسی تن‌فروشان یا چنان که ایشان می‌پسندد فاحشه‌ها، همواره لمپن‌هایی مانند سلحشور بوده‌اند. دوم آن که بسیاری از همین لمپن‌ها در کنار همین تن‌فروشان برای خود کار و باری می‌یافتند، یا به همت و کرم آنان به زنده‌گی انگل‌وار خود ادامه می‌دادند. سوم آن که هر چند واژه‌ی فاحشه، جنده یا روسپی در زبان و فرهنگ فارسی، به مثابه نام یا صفتی تحقیرآمیز برای نامیدن زنان تن‌فروش یا مخاطب قرار دادن زنان نافرمان به کار برده می‌شود، اما نباید از یاد برد که در حقیقت خیل عظیم تن‌فروشان به ویژه در ایران کنونی از قربانیان اصلی نظام سرمایه‌ی اسلامی و از بی‌حقوق‌ترین زنان نان‌آور و کارگران خدماتی ایران هستند.